

## موضوع تصادف مترادف شدن نام و نشانهای محمد و مهدی با سوشیانت سوم (موعود زرتشتیان)

نامهای مادر سوشیانت آخر (سوم) زرتشتیان را اردت فذری (دارای پدر با موهبت) و ویسپ تئوروئیری (به همه چیزه شونده= نر کنس= نرگس) آورده اند که هم با نام مادر مهدی موعود و هم با نام مادر احمد/محمد پیامبر اسلام یعنی نرجس و آمنه بنت وهب (=بی ترس و بیم دختر فرد با موهبت) مطابقت می نماید. جالبتر اینکه خود نام محمد/احمد (ستوده) هم با ترجمه نام سوشیانت سوم یعنی استوت ارته (در معنی ستوده پاکدین) مترادف است.

بنابر این؛ این شجره نامه سوشیانت ها را بدین شکل کنونی آن در آغاز تسلط اعراب ساخته و پرداخته اند. چنانکه از مندرجات قرآن در می یابیم در عهد محمد تنها شایع بوده که منجیبی به نام احمد برای نجات بشریت خواهد آمد و خود محمد مدعی همین احمد بودن را می نمود؛ گویا در کفالیه یعنی یکی از کتابهای منتسب به ماتی نیز همین نام احمد موعود قید گردیده است؛ همچنانکه در انجیل برنابا نیز که مسیحیان به سبب دستبرد مسلمین جزو کتابهای آپوکریفیا (مغشوش و مردود) محسوب داشته اند در فصلهای ۴۲-۴۴ از نام و نشان محمد به صراحت بیشتری سخن گفته شده است.

شیعیان و خصوصاً ایرانیان شیعی موعود دوست؛ این موعود را تحت نام مهدی فرزند نرجس دوباره به اسلام خود باز گردانیده اند. از همه جالب تر اینکه معنی نام قرآن است که به شکل "گائو- رنو- ان" (سرودهای ستایش شگرف) مترادف اوستا (افد- ستا) است. پس بی جهت نیست که محمد در قرآن، سوره نحل آیه ۱۰۳ اذعان می دارد که شایع است که وی قرآن را از عجمی (الجمی یعنی موبدی زرتشتی) می آموزد.

مطالب مربوط به سوره صف که در آن محمد به موضوع احمد بودن خود اشاره می نماید عینه از سایت لیلہ القدر نقل میگردد:

برگزیده تفسیر نمونه جلد پنجم « آیه الله مکارم شیرازی »  
[۶۱] سوره صف

این سوره در ((مدینه)) نازل شده و دارای ۱۴ آیه است .

محتوای سوره .:

این سوره در حقیقت بر دو محور اساسی دور می زند:

یکی برتری اسلام بر تمام آئینهای آسمانی ، و تضمین بقا و جاودانگی آن از سوی خداوند، و دیگر لزوم جهاد در طریق حفظ و پیشرفت این آئین .

اما در يك نظر می توان به سه بخش دیگر نیز اشاره کرد.

۱ - دعوت به هماهنگی گفتار و کردار و پرهیز از سخنان بی عمل .

۲ - یادآوری از پیمان شکنی بنی اسرائیل و بشارت مسیح به ظهور اسلام .

۳ - اشاره فشرده ای به زندگی حواریین مسیح و الهام از آنها.

انتخاب نام ((صف)) برای سوره به خاطر تعبیری است که در آیه چهارم این سوره آمده ، گاهی نیز به عنوان سوره ((عیسی

(( و یا سوره ((حواریین)) نامیده شده است .

### فضیلت تلاوت سوره : در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام ( ص ) می خوانیم :

((هرکس سوره عیسی (سوره صف ) را بخواند حضرت مسیح بر او درودمی فرستد و تا در دنیا زنده است برای او استغفار می کند و در قیامت رفیق او است)).

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

( آیه )

آغاز این سوره نیز تسبیح خداوند است و به همین جهت آن را جزسوره های ((مسیحات)) (سوره هائی که با تسبیح خدا شروع می شود) شمرده اند.

می فرماید: ((آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است , همه تسبیح خدای گویند)) **(سبح لله ما فی السموات وما فی الارض )**.

چرا تسبیح او نگویند و از هر عیب و نقصی منزهش نشمرند با این که ((اوشکست ناپذیر, و حکیم است )) **(وهو العزیز الحکیم)**.

( آیه )

شان نزول : جمعی از مؤمنان پیش از آنکه حکم جهاد نازل شودمی گفتند: ای کاش خداوند بهترین اعمال را به ما نشان می داد تا عمل کنیم , چیزی نگذشت که خداوند به آنها خبر داد که ((افضل اعمال , ایمان خالص و جهاد است)) اما این خبر آنها را ناخوشایند آمد و تغلل ورزیدند, آیه نازل شد و آنها را ملامت کرد.

تفسیر:

این آیه به عنوان ملامت و سرزنش از کسانی که به گفته های خودعمل نمی کنند, می فرماید: ((ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید))؟! **(یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون )**.

( آیه )

سپس در ادامه همین سخن می افزاید: ((نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید)) **(کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون )**.

آیه فوق هرگونه تخلف از عهد و پیمان و وعده , و حتی به گفته بعضی نذر رانیز شامل می شود.

در حدیثی از امام صادق ( ع ) می خوانیم : ((وعده مؤمن به برادرش نوعی نذر است , هرچند کفاره ندارد, و هرکس تخلف وعده کند با خدا مخالفت کرده , وخویش را در معرض خشم او قرارداده , و این همان است که قرآن می گوید: **((یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون ))**.

( آیه )

در این آیه مساله اصلی را که مساله جهاد است پیش کشیده ,می فرماید: ((خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گونئی بنائی آهنین اند)) **(ان الله يحب الذین یقاتلون فی سبيله صفا کانهم بنیان مرصوص )**.

بنابراین نفس پیکار مطرح نیست ، آنچه مهم است این که پیکار ((فی سبیل الله )) باشد و آن هم با اتحاد و انسجام کامل همانند سدی فولادین .

از مهمترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان انسجام و به هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است ، نه تنها در نبردهای نظامی که در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت کاری ساخته نیست .

### (آیه )

در تعقیب دو دستوری که در آیات قبل درباره ((هماهنگی گفتار و کردار)) و ((وحدت صفوف )) آمده بود در این آیه برای تکمیل این معنی به گوشه ای از زندگی دو پیامبر موسی و عیسی (ع ) اشاره می کند که متأسفانه نمونه های روشنی از ((جدائی گفتار و عمل )) و ((عدم انسجام صفوف )) در زندگی پیروان آن دو دیده می شود، با سرنوشت شومی که به دنبال آن پیدا کردند.

نخست می فرماید: ((به یاد آورید هنگامی را که موسی به قومش گفت : ای قوم من ! چرا مرا آزار می دهید با این که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم ))؟! **(واذ قال موسی لقومه یا قوم لم تؤذوننی وقد تعلمون انی رسول الله الیکم )**.

این آزار اشاره به نسبت های ناروایی است که به موسی می دادند و خداوند موسی را از آن مبرا ساخت ، در آیه 69 سوره احزاب می خوانیم : ((ای کسانی که ایمان آورده اید همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند و خداوند او را (از آنچه در حق او می گفتند) مبرا ساخت )).

ولی این عمل بدون مجازات نماند چنانکه در پایان آیه مورد بحث می خوانیم : ((هنگامی که آنها از حق منحرف شدند خداوند قلوبشان را منحرف ساخت ، و خدافاسقان را هدایت نمی کند)) **(فلما زاغوا ازاع الله قلوبهم والله لا یهدی القوم الفاسقین )**.

از این تعبیر استفاده می شود که هدایت و ضلالت ، هرچند از ناحیه خداوند است اما زمینه ها و مقدمات و عوامل آن ، از ناحیه خود انسان است .

### (آیه )

#### من بشارت ظهور ((احمد)) را آورده ام !

در این آیه به مساله رسالت حضرت عیسی (ع ) و کارشکنی و تکذیب بنی اسرائیل در مقابل او اشاره کرده ، می افزاید ((و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت : ای بنی اسرائیل ! من فرستاده خدا به سوی شما هستم ، این درحالی است که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [ تورات ] می باشم )) **(واذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوریه )**.

((و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است )) **(ومیشرا برسول یتی من بعدی اسمہ احمد)**.

بنابراین من حلقه اتصالی هستم که امت موسی و کتاب او را به امت پیامبر آینده (پیامبر اسلام) و کتاب او، پیوند می دهم .

گرچه جمعی از بنی اسرائیل به این پیامبر موعود ایمان آوردند، اما گروه عظیمی سرسختانه در برابر او ایستادند، و حتی معجزات آشکار او را انکار کردند و لذا در پایان آیه می افزاید:

((هنگامی که او [ احمد ] با معجزات و دلائل روشن به سراغ آنان آمد گفتند: این سحری است آشکار))! **(فلما جاهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین )**.

عجب این که : طایفه یهود، قبل از مشرکان عرب ، این پیامبر(ص ) را شناخته بودند، اما با این همه بسیاری از بت پرستان ، ایمان آوردند ولی بسیاری از یهود برلجاج و عناد و انکار باقی ماندند.

( آیه )

در آیه قبل خواندیم که چگونه گروهی معاند و لجوج علی رغم بشارت پیامبر پیشین حضرت مسیح (ع) درباره ظهور پیامبر اسلام (ص)، و علی رغم توأم بودن دعوت پیامبر اسلام (ص) با ((بینات)) و دلائل روشن و معجزات، چگونه به مقابله و انکار برخاستند، در اینجا عاقبت کار این افراد، و سرنوشت آنها را تشریح می کند.

نخست می فرماید: ((چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می شود))  
**(ومن اظلم ممن افتری علی الله الکذب وهویدعی الی الا سلام )**.

آری ! چنین کسی که دعوت پیامبر الهی را دروغ، معجزه او را سحر و آئین او را باطل می شمرد ستمکارترین مردم است، چرا که راه هدایت و نجات را به روی خود و سایر بندگان خدا می بندد.

در پایان آیه می افزاید: ((و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند)) **(والله لا یهدی القوم الظالمین )**.

( آیه )

**می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند!**

سپس برای این که نشان دهد دشمنان حق قادر نیستند آئین او را برچینند ضمن تشبیه جالبی می فرماید: ((آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خداوند نور خود را کامل می کند هرچند کافران خوش نداشته باشند))!  
**(بریدون لیطفؤا نورالله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون )**.

آری ! همان گونه که خداوند اراده کرده بود این نور الهی روز به روز در گسترش است و دامنه اسلام هر زمان نسبت به گذشته وسیعتر می شود، و آمارها نشان می دهد که جمعیت مسلمانان جهان علی رغم تلاشهای مشترک ((صهیونیستها))، ((صلیبیها)) و دیگر دشمنان اسلام رو به افزایش است .

( آیه )

در این آیه برای تاکید بیشتر با صراحت می گوید: ((او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاده تا او را بر همه ادیان غالب سازد هرچند مشرکان کراهت داشته باشند)) **(هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون )**.

و سرانجام اسلام هم از نظر منطق، و هم از نظر پیشرفت عملی بر مذاهب دیگر غالب شد، و دشمنان را از قسمتهای وسیعی از جهان عقب زد و جای آنها را گرفت و هم اکنون نیز در حال پیشروی است .

البته مرحله نهائی این پیشروی به عقیده ما با ظهور حضرت مهدی - عج - تحقق می یابد که این آیات خود دلیلی بر آن ظهور عظیم است .

( آیه )

**تجارتی پرسود و بی نظیر!**

یکی از اهداف مهم این سوره، دعوت به ایمان و جهاد است، این آیه و سه آیه بعد نیز تأکیدی است به این دو اصل، با مثال لطیفی که انگیزه حرکت الهی را در جان انسان به وجود می آورد.  
نخست می فرماید: ((ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد))؟ **(یا ایها الذین آمنواهل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم )**.



( آیه )

سپس به شرح آن تجارت پرسود پرداخته ، می افزاید: ((و آن این که به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید)) **(تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم).**

بدون شك خدا نیازی به این تجارت پرسود ندارد، بلکه تمام منافع آن دربست به مؤمنان تعلق می گیرد، لذا در پایان آیه می فرماید: ((این برای شما (از هرچیز) بهتر است اگر بدانید)) **(ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون).**

ایمان به پیامبر(ص) از ایمان به خدا جدا نیست ، همان گونه که جهاد با جان ، از جهاد با مال نمی تواند جدا باشد، و اگر می بینیم جهاد با مال مقدم داشته شده نه به خاطر آن است که از جهاد با جان مهمتر می باشد، بلکه به خاطر این است که مقدمه آن محسوب می شود چرا که ابزار جهاد از طریق کمکهای مالی فراهم می گردد.

( آیه )

تا اینجا سه رکن اساسی از ارکان این تجارت بزرگ مشخص شد((خریدار)) خداست و ((فروشنده)) انسانهای با ایمان ، ((و متاع)) جانها و اموالشان ، اکنون نوبت به رکن چهارم می رسد که بهای این معامله عظیم است .

می فرماید: اگر چنین کنید ((گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد، و این پیروزی عظیم است )) **(یغفر لکم ذنوبکم ویدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار ومساکن طیبة فی جنات عدن ذلك الفوز العظيم).**

در مرحله پاداش اخروی نخست به سراغ آموزش گناهان می رود چرا که بیشترین ناراحتی فکر انسان از گناهان خویش است ، همچنین این تعبیر نشان می دهد که نخستین هدیه الهی به شهیدان راهش این است که تمام گناهانشان رامی بخشد.

( آیه )

در این آیه به دو شاخه از مواهب الهی در دنیا نیز اشاره کرده ، می فرماید: ((و نعمت ) دیگری که آن را دوست دارید به شما می بخشد، و آن یاری خداوند، و پیروزی نزدیک است )) **(واخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب).**

چه تجارت پرسود و پربرکتی ؟ که سراسرش فتح و پیروزی و نعمت و رحمت است .

سپس به همین دلیل به مؤمنان در مورد این تجارت بزرگ تبریک می گوید و می افزاید: ((و مؤمنان را بشارت ده )) به این پیروزی بزرگ **(وبشر المؤمنین).**

( آیه )

**همچون حواریون باشید!**

در این آیه که آخرین آیه سوره صف می باشد باز تکیه و تاکید روی امر((جهاد)) است که محور اصلی سوره را تشکیل می دهد، منتهی از طریقی دیگر این مساله را تعقیب می کند، و مطلبی مهمتر از عنوان بهشت و نعمتهای بهشتی ارائه داده ، می فرماید: ((ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید)) **(یا ایها الذین آمنوا کونوا انصارالله).**

خدائی که تمام قدرتها از او سرچشمه می گیرد و به او باز می گردد.

سپس به یک نمونه تاریخی اشاره می کند تا بدانند این راه بدون رهرو نبوده نیست ، می افزاید: ((همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت : چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند))؟! **(کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من انصاری الی الله).**

و ((حواریون (در پاسخ با نهایت افتخار) گفتند: ما یاوران خدائیم )) **(قال الحواریون نحن انصار الله).**

و در همین مسیر با دشمنان حق به مبارزه برخاستند ((در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند (و به حواریون پیوستند) و گروهی کافر شدند)) **(فامنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة )**.  
اینجا بود که نصرت و باری ما به کمک آنها شتافت ((ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تایید کردیم , و سرانجام بر آنان پیروز شدند)) **(فایدا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرين )**.  
شما نیز حواریون محمد(ص) هستید, و به این افتخار مفتخرید که یاوران الله و رسول خدا می باشید, و همان گونه که حواریون بر دشمنان غلبه کردند شما نیز پیروز خواهید شد.

### حواریون کیانند؟

در قرآن مجید پنج بار از حواریون مسیح (ع) یاد شده که دوبار در همین سوره است , این تعبیر اشاره به دوازده نفر از یاران خاص حضرت مسیح است که نام آنها در انجیلها کنونی (انجیل متی و لوقا باب 6) ذکر شده است .

در حدیثی آمده است که پیغمبر گرامی اسلام (ص) هنگامی که در ((عقبه)) باجمعی از اهل مدینه که برای بیعت آمده بودند روبه رو شد فرمود: دوازده نفر از خودتان را انتخاب و به من معرفی کنید که اینها نماینده قوم خود باشند, همان گونه که حواریون نسبت به عیسی بن مریم بوده اند و این نیز اهمیت مقام آن بزرگواران رانشان می دهد.

**((پایان سوره صف))**

نویسنده: حسین شاهد خطیبی

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>  
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>